



کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

«سطح مناسب زندگی، تغذیه کافی، مراقبت صحی، آموزش، کار شایسته و حمایت در مقابل آفات نه تنها اهداف توسعه هستند، بلکه در زمره حقوق بشر قرار می گیرند».

حقوق اقتصادی و اجتماعی در افغانستان

گزارش فشرده

ثور 1385

مطابق می 2006

فهرست مطالب

1. مقدمه و شیوه شناسی.....	1
1.1 مکلفیتهای حکومت بر اساس میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی	2
1.2 حقوق بشر و اهداف توسعه هزارساله.....	3
1.3 شیوه شناسی.....	3
1.4 تفکیک نفوس شناختی مصاحبه شوندگان.....	4
2. پیشنهادات.....	4
2.1 پیشنهادات به دولت افغانستان.....	4
Error! Bookmark not defined.	2.2
Error! Bookmark not defined.	2.3
3. حق برخورداری از سطح مناسب زندگی.....	4
3.1 یافته ها.....	10
3.2 مکلفیتهای حکومت.....	11
4. کار اطفال.....	11
4.1 یافته ها.....	11
4.2 مکلفیتهای حکومت.....	12
5. حق مالکیت و حق مسکن مناسب.....	12
5.1 یافته ها.....	13
5.2 مکلفیتهای حکومت.....	14
6. حق دسترسی به آب.....	14
6.1 یافته ها.....	14
6.2 مکلفیتهای حکومت.....	16
7. حق دسترسی به صحت.....	16
7.1 یافته ها.....	16
7.2 مکلفیتهای حکومت.....	17
8. حق تعلیم و تربیه.....	18
8.1 یافته ها.....	18
8.2 مکلفیتهای حکومت.....	19
9. حق رجوع مؤثر.....	20
9.1 یافته ها.....	20
9.2 مکلفیتهای حکومت.....	21
10. اولویت ها برای آینده.....	22
10.1 یافته ها.....	22
11. جمع بندی.....	22
11.1 غذای ضروری.....	23
11.2 مراقبتهای صحی ابتدایی ضروری.....	23
11.3 مسکن.....	24
11.4 تعلیم و تربیه اساسی.....	24
11.5 دسترسی به آب.....	24
11.6 فقر.....	25

1. مقدمه و شیوه شناسی

ارزیابی اولیه عملکرد حکومت جمهوری اسلامی افغانستان در راستای حمایت از برخی حقوق اقتصادی و اجتماعی منتخب بر اساس تعهدات حقوق بشری ملی

و بین المللی افغانستان، هدف از تهیه این گزارش را تشکیل می دهد. این چکیده، رئوس مطالب گزارش را ارائه می دارد.

حقوق اقتصادی و اجتماعی در "میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی" که افغانستان آن را در سال 1983 به تصویب رساند، پی ریزی شده است.¹ این میثاق، محدوده و محتوای مکلفیتهای حقوقی دولتهای عضو را در رابطه با حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نفوس شان مشخص می کند.² سایر پیمانهای بین المللی نظیر "کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زنان" و "میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی" که افغانستان به آنها الحاق نموده است، نیز حاوی احکامی در حمایت از حقوق اقتصادی و اجتماعی می باشد.

این گزارش به تحلیل معلوماتی می پردازد که در جریان نظارت نظام مند از وضعیت حقوق بشر (نظارت ساحوی حقوق بشر) توسط "کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان" و "کمیشنری عالی پناهندگان ملل متحد" در 29 ولایت کشور جمع آوری شده است. اطلاعات گردآوری شده بر پایه شاخصهای حقوق اقتصادی و اجتماعی از تقریباً 8000 مصاحبه از اپریل تا دسامبر 2005، اساس تحلیل و تجزیه را تشکیل داده است. با کاربرد این معلومات، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان می تواند تا نتیجه گیری هایی ابتدایی را انجام داده و پیشنهادهایی را به حکومت در جهت بهبود حقوق اقتصادی و اجتماعی در افغانستان ارائه نماید.

تذکر این نکته مهم است که این گزارش بر بعضی حقوق بشری منتخب متمرکز است و سعی نشده است تا گزارش وضعیت حقوق بشر در افغانستان به تمام معنا ارائه گردد.

مسائل اصلی مورد بحث این گزارش عبارت اند از:

- حق برخورداری از سطح مناسب زندگی – آسیب پذیری خانواده
- کار اطفال
- حق مالکیت و حق مسکن مناسب
- حق آب
- حق صحت
- حق تعلیم و تربیه
- حق رجوع مؤثر
- اولویتها در آینده

1.1 مکلفیتهای حکومت بر اساس میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در رابطه با مکلفیتهای دول عضو بر اساس میثاق، عدم وجود امکانات و ظرفیت کافی دولتها در تحقق فوری معیارهای مندرج در این میثاق را در نظر گرفته است و بنا بر همین موضوع، "تحقق پیشرونده" این حقوق را در درازمدت پیشبینی کرده است.

¹ متن میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در نشانی http://www.unhcr.ch/html/menu3/b/a_ceschr.htm موجود است.

² قابل یادآوری این که معاهدات بین المللی حقوق بشر، برخی حقوق را برای اتباع بیگانه ساکن در قلمرو یک دولت نیز اعطاء کرده اند.

با آن هم، دولت‌ها اجازه ندارند تا تحقق پیشرونده و موجودیت امکانات را بهانه و دستاویزی برای کم کاری و بی کاری خود در این زمینه قرار دهند و این میثاق مکلفیت‌هایی را بر دولت‌های عضو وضع کرده است.³

مکلفیت‌های آنی دول عضو بر اساس میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قطع نظر از موجودیت امکانات را می توان به شرح زیر خلاصه کرد:

- مکلفیت اتخاذ تدابیری برای **تحقق سعودی** حقوق مندرج در میثاق؛
- مکلفیت این که حقوق مندرج در میثاق بر اساس ماده 2 میثاق **بدون هر گونه تبعیض** اعمال می شود؛
- منع دولت‌های عضو از اجرای **تدابیر نزولی** در رابطه با حقوق مسجل در میثاق، مگر در حالات خاص؛ و
- دولت‌ها **مکلفیت اساسی** دارند تا حداقل حقوق اقتصادی و اجتماعی به شمول حق غذا و مسکن مناسب، حق صحت و حق تعلیم و تربیه را تأمین نمایند.⁴

به صورت حداقل، منظور این است که دولت‌های عضو متعهد شده اند تا تدابیری فوری را برای تأمین آبرومندان نیازهای اولیه شهروندان خود اتخاذ کنند. این تدابیر می تواند شامل مناسب سازی متعارف و ارائه خدمات به گروه های آسیب پذیر معلولین، اطفال و سایر افراد محروم از حقوق اقتصادی و اجتماعی باشد.

1.2 حقوق بشر و اهداف توسعه هزارساله

کشور ما سرگرم طرح ریزی "استراتژی توسعه ملی افغانستان"⁵ است که شامل تعهدات افغانستان نسبت به تحقق اهداف توسعه هزارساله الی سال 2020 می گردد. همانطور که در این گزارش و در "گزارش اهداف توسعه هزارساله افغانستان در سال 2005"⁶ ذکر شده است، از آنجا که بسیاری از اهداف مشابه هستند، مکلفیت افغانستان در حمایت از حقوق بشر و وجیبه افغانستان در دستیابی به اهداف توسعه هزارساله همبسته است.

آنچه عمده است این که نباید به تعهدات حکومت افغانستان در قبال اهداف توسعه هزارساله صرفاً از دید اولویت‌های توسعه نگریسته شود بلکه باید از منظر حقوق بشر به آن نگاه کرد و حکومت از لحاظ حقوقی ملزم است تا معاهدات بین المللی حقوق بشر مصوب افغانستان را رعایت، حمایت و اجرا نماید.

1.3 شوه شناسی

از اپریل تا دسمبر 2005، مأموریت‌های نظارت ساحوی حقوق بشر در 29 ولایت و 164 ولسوالی افغانستان که در ذیل نشان داده شده است، صورت گرفت.⁷ در مجموع، 7929 مصاحبه صورت گرفت: 38.2% مصاحبه ها با زنان و 61.8% مصاحبه ها با مردان در قریه های ولسوالی های مورد پوشش انجام شد. مصاحبه شوندگان به نمایندگی از خانواده های خود به پرسشها پاسخ می دادند. از

³ نظر عمومی شماره 3 کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (1990): ماهیت مکلفیت‌های دولتهای عضو، بند 9.

⁴ نظر عمومی شماره 3 کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (1990): ماهیت مکلفیت‌های دولتهای عضو...

⁵ برای معلومات بیشتر درباره استراتژی توسعه ملی افغانستان، به این نشانی مراجعه نمایید:

<http://www.ands.gov.af/ands/I-ANDS/executive-summary.asp>

⁶ دومین گزارش اهداف توسعه هزارساله افغانستان (سپتامبر 2005): دورنما 2020 <http://www.undp.org/content.cfm?id=79>

⁷ برای جزئیات بیشتر درباره تفکیک مصاحبه ها از حیث ولایت، به ضمیمه اول نگاه کنید.

همین جهت، هنگامی مصاحبه شوندگان به نمایندگی از خانواده های خویش به سؤالات جواب می دادند، تفکیک و تمایزی میان پاسخهای زنان و مردان در نظر گرفته نشده است. مصاحبه ها بر پایه سؤالنامه یکسانی اجرا می شد که برای تسهیل ارزیابی وضعیت حقوق بشر با استفاده از شاخصهای مربوط به برخی حقوق اقتصادی و اجتماعی منتخب طرح شده بود.

1.4 تفکیک نفوس شناختی مصاحبه شوندگان

85.0% مصاحبه ها با افراد ساکن در مناطق روستایی انجام شده است و 15.0% مصاحبه ها با باشندگان مناطق روستایی صورت گرفته است. مصاحبه ها در مناطق "شهری" به معنای مصاحبه با افرادی است که در پنج شهر بزرگ افغانستان یعنی مزار شریف، هرات، جلال آباد، قندهار و کابل زندگی می کنند. مصاحبه با اشخاصی که در خارج از این شهرها (نواحی آنها) سکونت دارند، به عنوان مصاحبه ها در مناطق "روستایی" محسوب شده است.

در کلیت، 74.7% مصاحبه شوندگان را عودت کنندگان تشکیل می دهند. واژه "عودت کننده" هم به پناهندگان بازگشته (افرادی که در خارج از افغانستان بیجا شده و فعلاً به کشور بازگشت کرده اند) و بیجاشدگان داخلی بازگشته (افرادی که در داخل افغانستان بیجا شده و فعلاً به زادگاه خود برگشته اند) اشاره می کند.

9% مصاحبه شوندگان از جمله بیجاشدگان داخلی بودند. مصاحبه شوندگان بر اساس خودشناسایی به حیث بیجاشده داخلی ثبت می شدند. مراد از کاربرد عبارت "بیجاشدگان داخلی" اشاره به اشخاصی است که فعلاً در زادگاه خود زندگی نمی کنند و خود را از لحاظ محلی یکپارچه نمی پندارند.⁸

در کل، 20.4% مصاحبه شوندگان خویش را به عنوان اعضای گروه های آسیب پذیر ذیل شناسایی کردند: خانواده های تحت سرپرستی سالمندان، خانواده های تحت سرپرستی زنان و خانواده های تحت سرپرستی معلولین.

2. پیشنهادات

2.1 پیشنهادات به دولت افغانستان

یافته های این گزارش نشانگر آن اند که حکومت افغانستان ناقض مکلفیت های قانونی خود مطابق موازین بین المللی حقوق بشر، بویژه مکلفیت های بالفعل اش طبق میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که یکی از دول عضو آن می باشد است.

پیشنهادات کلی

- حکومت باید بپذیرد که مکلفیت های حقوق بشری اش نظر به میثاق های بین المللی ای که افغانستان یکی از دول عضو آنها است چوکاتی قابل تعمیل برای ستراتیژی انکشاف ملی آن است و اینکه ستراتیژی مزبور نباید منافی این مکلفیت ها باشد.
- حکومت باید صریحاً اذعان نماید که ستراتیژی انکشاف ملی قدمی در راستای تحقق کامل حقوقی است که در موازین بین المللی حقوق بشر به

⁸ برای تعریف بیجاشدگان داخلی، به "اصول رهنمودی ملل متحد در خصوص بیجاشدگی داخلی" نگاه کنید (بند 2):

http://www.reliefweb.int/ocha_ol/pub/idp_gp/idp.html

رسمیت شناخته شده اند. استراتیژی انکشاف ملی با توجه به نتایج این گزارش، باید انجام سطح حداقلی از مکلفیت های افغانستان مطابق میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را به قرارذیل در فهرست اولویت های کاری خویش قرار دهد:

حق برخورداری از سطح مناسب زندگی

- حکومت باید از این امر اطمینان حاصل کند که فقر در استراتیژی انکشاف ملی عدم تحقق حقوق شمرده می شود. تعریف فقر بر مبنای یک شاخص کمی واحد، کافی نیست. درک کامل ماهیت فقر و شناسایی قشر فقیر در افغانستان باید پیش از نهایی سازی هر گونه استراتیژی انکشافی صورت گیرد. نتایج این مطالعه باید جهت تعریف کیفی تر فقر مورد استفاده قرار گرفته و راهنمای انکشاف شاخص های غرض سنجش دقیق میزان تاثیر استراتیژی انکشاف ملی بر اقشار فقیر و آثانی که در حاشیه و دور از توجه قرار گرفته، باشد.

کار اطفال

- حکومت با امضاء میثاق حقوق طفل در سال 1994 مسئولیت های حداقلی ذیل را بعهده دارد:
 - حکومت باید سن حداقل اشتغال که نباید کمتر از 15 سال باشد را در قانون معین نماید.
 - حکومت باید قانونی را جهت تعیین ساعات و شرایط مساعد کاری مطابق با معیارهای بین المللی انکشاف دهد.
 - حکومت باید مجازات ها یا تعزیرات دیگری را غرض تنفیذ سن حداقل کار، و تعیین ساعات و شرایط کار اطفال بین 15 تا 18 سال مقرر نماید.
- حکومت باید پروسیجرهایی را برای امضاء اسناد سازمان بین المللی کار که در ذیل می آیند غرض تعریف بیشتر و افزایش حراست اطفال در برابر کار اجباری یا مضر تدوین کند:
 - میثاق بدترین اشکال کار طفل سازمان بین المللی کار، شماره 182، 1999
 - میثاق سن حداقل سازمان بین المللی کار، شماره 138، 1973
 - میثاق کار اجباری سازمان بین المللی کار، شماره 29، 1930
- از آنجا که کار طفل طبعاً با فقر خانواده ها مرتبط است، کمیسیون پیشنهاد میدارد که کاهش تعداد اطفال سهم در کار مضر باید یکی از سرخط های اصلی استراتیژی انکشاف ملی در بخش تأمینات اجتماعی باشد.

حق داشتن مسکن مناسب و حق ملکیت

از آن جا که نتایج گزارش حاکی از این است که مصونیت ملکیت یکی از مشکلات عمده ای است که در رابطه با حق مسکن مناسب شناسایی شده است،

پیشنهادات کمیسیون به موازات پیشنهادات اصلی گزارشگر خاص ملل متحد در مورد مسکن مناسب به تعقیب سفر وی به افغانستان در 2003 است.⁹

- حکومت افغانستان باید تمام اقدامات لازم و موثر جهت تطبیق مهلت را در تمام موارد اخراج اجباری از جایگاهها و خانه های را که در ساحات پلان شده حکومتی و غیرحکومتی قرار دارند روی دست گیرد.
- بنا به یافته های این گزارش، نیمی از دوسیه های که به نهادهای عدلی رسمی و غیررسمی برای رسیدگی سپرده می شوند مربوط به قضایای ملکیت بودند. بنابراین حکومت باید یک استراتیژی ملی برای حل نهایی مناقشات بر سر زمین و جایگاهها را انکشاف داده تطبیق نماید.
- کمیسیون از معیار طرح شده در استراتیژی انکشاف ملی مبني بر شروع یک روند ثبت و راجستر زمین ها و تثبیت یک نظام عادلانه حل و فصل مناقشات برسر زمین حمایت می نماید.¹⁰ با آنهم با توجه به فقدان فعلی ظرفیت و منابع، ایجاد سیستمی در یک چوکات زمانی کوتاه ممکن است به تقویت نابرابری، سواستفاده و ترجیح دادن به زورمندان در رابطه با زمین و مسکن، خصوصاً در نواحی ای که ساختارهای قدرت محلی مشخص وجود دارد منتهی شود.
- بناءً کمیسیون قویاً پیشنهاد میدارد تا سیستمی به منظور حراست از گروه های بالقوه آسیب پذیر نظیر اقشار فقیر، زنان، عودت کنندگان، بیجا شدگان، کوچی ها و اقلیت ها طرح و ترتیب شود. شاخص های معین و متمایزی برای گروه های آسیب پذیر باید در زمینه ی نظارت از اجرای این معیار در استراتیژی انکشاف ملی گنجانده شود.
- حکومت باید در قوه قضائیه (به شمول محکمه خاص ملکیت ها) غرض رسیدگی به شکایات دریافت شده از ولایات، افزایش دسترسی زنان به محاکم و خاتمه بخشیدن به فساد قضائی در این قوه ظرفیت سازی نماید.

حق آب

- گزارش حاکی از آن است که اکثر مصاحبه شوندهگان به آب نوشیدنی صحتی دسترسی ندارند. حکومت در استراتیژی انکشاف ملی باید به رهنمودهای بین المللی که در مورد قابل دسترس بودن و کیفیت آب موجود است، استناد نماید تا این عرصه تعریف شده و از پیشرفت کار نظارت به عمل آید¹¹ و دسترسی به آب نوشیدنی پاک در نواحی روستائی و شهری هر دو را در صدر اولویت های کاری خود قرار دهد.
- کمیسیون حکومت را تشویق و ترغیب می نماید که تمام اقدامات ضروری برای مشاوره با نهادهای ذیدخل در تسوید قانون جدید آب را انجام

⁹ متن کامل گزارش و پیشنهادات گزارشگر خاص بعد از سفرش به افغانستان در اگست 2003 (E/CN.4/2004/48/Add.2) در نشانی آتی قابل دریافت است:
<http://www.unhcr.ch/Huridocda?Huridocda.nsf/0/3e519fe3b3b9d779c1256e67004c42a8?Opendocument>

¹⁰ به نقل از معاهده افغانستان (جنوری 2006) معیارهای سطح بالا، شماره 8.2، حکومتداری، حاکمیت قانون و حقوق بشر: پروسه ثبت و راجستر زمین در تمام واحدهای اداری و ثبت و راجستر ملکیت زمین ها برای تمام ساحات عمده شهری در پایان سال 2006 و تمام ساحات دیگر در خاتمه 2008 شروع خواهد شد. یک نظام عادلانه برای حل و فصل مناقشات زمین تا پایان 2007 بوجود خواهد آمد. روند ثبت و راجستر زمین های روستاها تا پایان 2007 آغاز خواهد گردید.

¹¹ بنگرید بطورمثال به رهنمودهای سازمان صحتی جهان در مورد کیفیت آب نوشیدنی، طبع سوم: http://www.who.int/water_sanitation_health/dwq/gdwq3/en/index.html

دهد و قانون مزبور دارای رویکردی مبتنی بر حق در رابطه با تنظیم آب باشد.

حق صحت

- کمیسیون از گنجانده شدن این هدف در استراتیژی انکشاف ملی مبنی بر لزوم توسعه خدمات صحتی اساسی به دست کم 90% نفوس تا سال 2010 دلگرم می باشد.¹² معذک کمیسیون، نظر به نتایج این گزارش که حاکی از آن می باشد که مانع عمده، قابل دسترس بودن مراکز مراقبت صحتی نه، بلکه عدم دسترسی به مراکز صحتی واضحاً قابل دید است، به حکومت و همکاران بین المللی امور توسعه افغانستان توصیه میکند که مساعی خود را بجای آنکه فقط به افزایش شمار کلینیک ها محدود کنند به برداشتن موانعی متمرکز نمایند که امکان دسترسی به مراکز صحتی را از مردم سلب می کنند.
- معیارهای آغازین در سند نظارت استراتیژی انکشاف ملی حاکی است که بر افزایش دسترسی مردم به مراقبت های صحتی تاکید صورت خواهد گرفت و از جمله درمناطق دوردست این خدمات توسط کارمندان تعلیم یافته صحتی پیش برده خواهد شد. کمیسیون پیشنهاد میدارد که این مطلب در استراتیژی انکشاف ملی حفظ شده و انکشاف بیشتری بیاید. خصوصاً باید به برخی از موانعی که زنان روستائی را از استفاده از سهولت های صحتی موجود باز می دارد، توجه شده و دسترسی گروه های آسیب پذیری از قبیل افراد مسن، معلولین، اطفال، اقلیت ها، کارگران مهاجر و اجتماعات روستائی دوردست بیشتر و مؤثرتر به این سهولت ها فراهم گردد.
- رابطه مستقیم میان حق دسترسی به آب نوشیدنی صحتی و مرگ و میر اطفال کوچکتر از 5 سال، و همچنان سائر جنبه های کلیدی صحت عامه در استراتیژی انکشاف ملی مورد شناسائی قرارنگرفته است. شاخص هایی به ارتباط دسترسی به آب صحتی و پاک باید انکشاف یافته در بخش صحت این استراتیژی گنجانده شود.
- حکومت باید مراقبت های صحتی ولادی (قبل و بعد از زایمان) و مراقبت های صحتی از اطفال را طبق مکلفیت هایش بنابر معاهدات بین المللی ای که افغانستان عضو آن می باشد در اولویت قراردهد. زنان افغان باید دسترسی عام به مراقبت های صحتی ولادی داشته باشند.
- وزارت صحت عامه باید سازوکارهای نظارتی مناسبی را غرض کنترل کیفی خدمات صحتی و مراکز صحتی ایجاد نموده و از دسترسی افراد معیوب و معلول به این مراکز اطمینان حاصل کند.

حق تحصیل

- این گزارش، مانع عمده تحصیلات ابتدائی دختران را فقدان دسترسی به مراکز تعلیمی نزدیک به آنها برمی شمارد. کمیسیون اقدام عاجل

¹² به نقل از معاهده افغانستان (جنوری 2006) معیارهای سطح بالا، شماره 1. 5، صحت: مجموعه ی خدمات صحتی اساسی تا پایان سال 2010 به موازات اهداف هزارساله توسعه افغانستان به حداقل 90% نفوس کشور ارائه خواهد شد؛ میزان مرگ و میر مادران تا 15% کاهش خواهد یافت؛ و مصونیت بخشی کامل کودکان در برابر امراض قابل پیشگیری از طریق واکسین متحقق گردیده و میزان مرگ و میرشان، 20% کاهش خواهد یافت.

حکومت غرض رسیدگی مناسب به دسترس پذیری فیزیکی مکاتب، مسائل امنیتی و باورهای منفی فرهنگی که دختران را از ثبت نام در مکاتب و تکمیل تحصیلات ابتدائی باز میدارند را پیشنهاد مینماید.

- کمیسیون از این ناحیه نگرانی دارد که هدف معین شده در قالب معیار تحصیل¹³ در استراتژی انکشاف ملی مبنی بر افزایش ثبت نام دختران و پسران در مکاتب ابتدائی جهت نیل به اهداف انکشافی هزاره 2 و 3 افغانستان مکفی نیست¹⁴.
- نتایج این گزارش، تباین قابل ملاحظه ای را در رابطه با میزان تکمیل تحصیلات ابتدائی توسط دختران و پسران را برجسته می سازد. بنابراین گنجانده شدن کاهش در رقم ترک تحصیل دختران به عنوان یکی از معیارها و مقاصد در استراتژی انکشاف ملی و بهره گیری از شاخص های ویژه برای جنس های متفاوت جهت نظارت امری حیاتی است.
- حکومت باید توجه خاصی به بهبود کیفیت خدمات تحصیلی و ارتقاء ظرفیت استادان از طریق طرح و تدوین برنامه های جامع تربیه معلم و استاد معطوف کند. بر همین اساس کمیسیون از مباحثات مقدماتی غرض گنجاندن شروط صلاحیت استادان و افزایش تعداد استادان زن منحنی معیار در استراتژی انکشاف ملی افغانستان حمایت میکند.

حق سهمگیری در انکشاف

- حکومت باید زمینه هایی را فراهم نماید که نهادهای مشورتی که در سند استراتژی انکشاف ملی مذکور است به انعکاس و بازتاب کامل اولویت های مردم افغانستان منتهی شود. نهادهای مشورتی بویژه باید طوری طرح و ترتیب شود که اقشار فقیر و به حاشیه رانده شده در محور این پروسه قرارگیرند و بطور کامل توانائی اشتراک و سهمگیری را در این پروسه بیابند.

حق رجوع موثر

- حکومت باید بپذیرد که تبعیض، بویژه آنکه بر جایگاه اجتماعی-اقتصادی بنا یافته باشد مانعی بزرگ در راه دسترسی مردم به عدالت است. شاخص هایی برای نظارت از چندوچون و میزان دسترسی به عدالت در برنامه های ملی مربوطه باید غرض بازتاب کامل پیشرفت مساعی در زمینه عدلی و قضائی برای اقشار آسیب پذیر و گروه های از نظر دور مانده، خصوصاً فقرا و همچنان زنان و اقلیت ها باید تشخیص و تثبیت شوند.

¹³ بنا بر معاهده افغانستان (جنوری 2006) معیارهای سطح بالا، شماره 1.4 تحصیل: تا پایان سال 2010: میزان ثبت نام دختران و پسران در مکاتب ابتدائی به ترتیب دستکم 60% و 70% خواهد بود. رقم فعلی ثبت نام طبق استراتژی موقت انکشاف ملی برابر با 43% برای دختران و 58% برای پسران محسوب شده است.

¹⁴ اهداف انکشافی هزاره 2: دستیابی به تحصیل ابتدائی سراسری تا 2020؛ اهداف انکشافی هزاره 3: احاء شکاف جنسیتی در تمام سطوح تحصیلی تا پیش از 2020. در حال حاضر، معیار مذکور در معاهده افغانستان، افزایش ثبت نام 17 فیصدی دختران و 12 فیصدی پسران را تا 2010 پیشنهاد میکند. حکومت به منظور نیل به مقاصد مندرج در اهداف انکشافی هزاره باید ثبت نام 5 دختر در مقابل هر 3 پسر را هدف خود قرار دهد.

- گزارش حاکی از سطح بسیار پائینی از اعتماد به فعالیت های نهادهای حکومتی، بویژه نهادهای رسمی عدلی و قضائی در راستای حل مناقشات برسر ملکیت منابع کلیدی از قبیل زمین، جایداد و آب می باشد. برخورد با این معضله ایجاب میکند که حکومت همانقدر که به احیاء مجدد زیربناها توجه دارد به صلاحیت ها، صداقت و عملکرد مسلکی مسئولان حکومتی به شمول آنانی که در نهادهای قضائی کار میکنند التفات بیشتر داشته باشد. روند ریفرم نهادها باید از طریق مکانیزم بررسی صلاحیت ها غرض جلب اعتماد عمومی به نهادهای حکومتی تقویت شود.

2.2 به جامعه مدنی

- ستراتیژی انکشاف ملی، تاسیس یک نهاد ناظر توسط حکومت افغانستان را پیش بینی میکنند. اعضاء کلیدی جامعه مدنی باید در راستای حسابدگی و شفافیت در تطبیق ستراتیژی انکشاف ملی، یک پروسه مکمل نظارت از معایر و شاخص های حقوق اقتصادی و اجتماعی توضیح داده شده در این گزارش را پیش ببرند.

2.3 به جامعه بین المللی

- جامعه بین المللی بویژه ملل متحد باید مساعدت های مالی و فنی لازم جهت یاری به حکومت افغانستان در ایفاء مکلفیت هایش مطابق میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بخصوص مکلفیت هایش در محقق ساختن بلافاصله حداقلی از حقوق مذکور در میثاق را فراهم آورد.
- جامعه بین المللی بویژه ملل متحد نقش مهمی در نظارت از روند تطبیق ستراتیژی انکشاف ملی و تضمین انطباق کامل آن با مکلفیت های بلافصل و مستمر حکومت مطابق میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همچنان تحقق حق برخورداری مساویانه تمام شهروندان از این حقوق دارد.
- جامعه بین المللی از طریق گروه های مشورتی و نهاد انسجام و نظارت مشترک باید از این مطلب اطمینان یابد که معاهده افغانستان (Afghanistan Compact) و ستراتیژی انکشاف ملی دربرگیرنده رویکردی مبتنی بر حقوق (rights-based approach) است. جامعه بین المللی باید از روند گردآوری معلوماتی که به حدکافی بازتاب-دهنده ی پیشرفت و تاثیر بر حاشیه ای ترین و آسیب پذیرترین اعضاء جامعه بویژه زنان، اطفال، تنگدستان، اقلیت ها و معلولان باشد غرض گسترش حقوق بشر در تمام جامعه حمایت بعمل آورد.

3. حق برخورداری از سطح مناسب زندگی

شاخصها

1. نوع درآمد خانواده
2. شمار خانواده های مقروض (و حداوسط قرض)
3. دلایل اصلی بیجاشدگی فعلی
4. موانع اصلی یکپارچه سازی عودت کنندگان

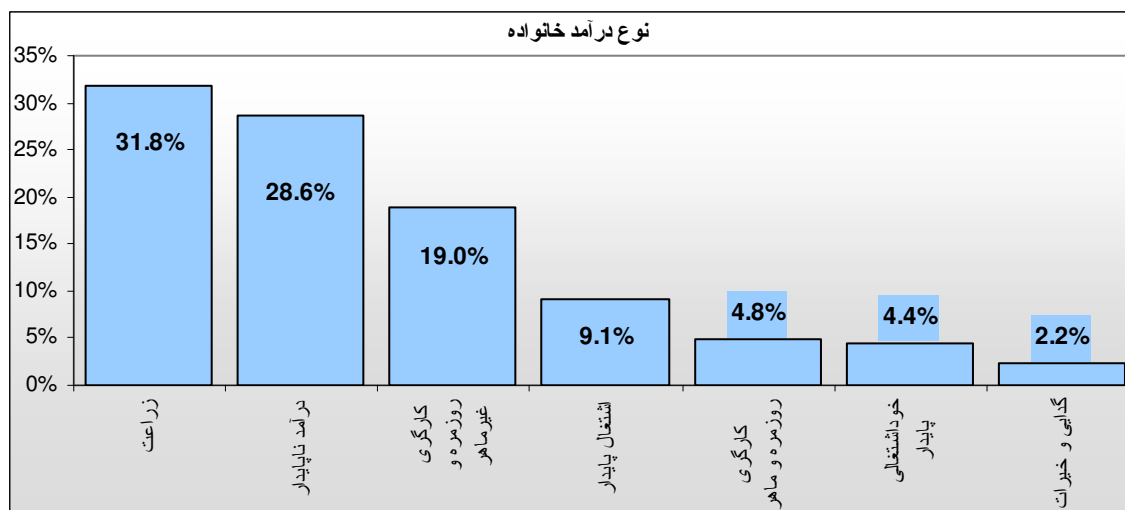
حق برخورداری از سطح مناسب زندگی، حق مرکزی میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که شامل حقوقی فرعی مانند حق مسکن مناسب (قسمت 4)، حق آب (قسمت 5)، حق صحت (قسمت 6) و حق غذای کافی (رهایی از گرسنگی) می شود.

حق غذای کافی یکی از اجزای مهم حق برخورداری از سطح مناسب زندگی است که با موضوع اولین هدف توسعه هزارساله یعنی محو فقر و گرسنگی مفرط مرتبط می باشد. ناامنی غذایی و حق غذای کافی به طرز غامض و پیچیده ای با سطح درآمد خانواده مرتبط است. در جریان مصاحبه های نظارتی ساحوی حقوق بشر، دو شاخص اصلی مورد استفاده عبارت بودند از: نوع درآمد خانواده و سطح بدهی و قرض در میان خانواده های مصاحبه شده.

سایر عوامل مربوط به یکپارچه سازی عودت کنندگان و بیجاشدگی فعلی می تواند به درک وضعیت حق برخورداری از سطح مناسب زندگی کمک کند و از همین رو، در تحلیل ها مد نظر قرار داده شده اند.

3.1 یافته ها

- زراعت به حیث نخستین منبع درآمد مصاحبه شوندهگان (31.8%) شناسایی شد و صرفاً 13.5% مصاحبه شوندهگان اظهار داشتند که دارای منبع درآمد پایدار می باشند. این نتایج با یافته های گزارش اهداف توسعه هزارساله تطابق دارند.¹⁵



شکل 2.1

- 63.5% مصاحبه شوندهگان اظهار داشتند که خانواده های آنها مقروض است. حداوسط قرض در میان این خانواده ها به 1150 دالر امریکایی می رسد. سطح قرض را می توان با حداوسط درآمد سرانه در افغانستان مقایسه کرد که زیر 200 دالر امریکایی قرار دارد.¹⁶

¹⁵ فقراء اکثریت درآمد خود (45-60%) را از زراعت به دست می آورند. (دومین گزارش اهداف توسعه هزارساله افغانستان (سپتمبر 2005): دورنما 2020، ص 22). این بررسی، زراعت را به دلیل آن که درآمد آن به فصل و وقت برداشت محصولات وابسته است، در مقوله منابع درآمد پایدار قرار نداده است.

¹⁶ دومین گزارش اهداف توسعه هزارساله افغانستان (سپتمبر 2005): دورنما 2020.

- برای مصاحبه شونده هایی که فعلاً بیجاشده داخلی هستند (9% مصاحبه شوندهگان)، یک سوم آنها به دلیل کمبود مسکن (39.7%) و یک چهارم آنها به علت کمبود فرصتهای شغلی (25.8%) بیجا گردیده اند.
- 16.7% عودت کنندگان از بازگشت خود ناخرسند هستند. دلایل اصلی ناخرسندی آنها با دلایل مصاحبه شونده هایی که بیجاشده داخلی هستند، مرتبط است. حدوداً نیمی از آنها به دلیل کمبود فرصتهای شغلی (48.4%) و بیش از یک سوم آنها به علت کمبود مسکن (35.4%) از برگشت خود به کشور ناراضی می باشند.

3.2 مکلفتهای حکومت

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که بر پایه میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأسیس شده است، خاطر نشان کرده است: «دولتهای عضو مکلف هستند تا دسترسی همه افراد تحت قلمرو خود را به حداقل غذایی که کافی و از لحاظ تغذیه مصون است، تأمین و از آنها در مقابل گرسنگی حمایت کنند».¹⁷ دولت مشخصاً مسؤول است تا حق غذای کافی را برای گروه های آسیب پذیر و محروم تضمین کند.

مسئولیت حکومت بر اساس میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با اولین هدف توسعه هزارساله یعنی محو فقر و گرسنگی مفرط همسان است. در حالی که خط تحتانی برای برخی شاخصها در اندازه گیری تحقق این هدف باید معین گردد، اما از اطلاعات درباره نسبت اطفال دارای کسر وزن زیر 5 سال (فعلاً 41% برآورد می شود) معلوم می شود که حکومت راه درازی را به منظور کاهش 15% این نسبت تا سال 2015 در پیش دارد.

4. کار اطفال

شاخصها

1. شمار خانواده هایی که اطفال زیر 15 سال آنها کار می کنند
2. نسبت اطفال کارگر زیر 15 سال در خانواده
3. شمار خانواده هایی که اطفال آنها نمی توانند به دلیل کار، در مکاتب ابتدایی حاضر شوند

سن 15 مربوط به معیار بین المللی حداقل سن کار اطفال (کنوانسیون حقوق طفل، ماده 32) می شود. نسبت اطفال کارگر زیر 15 سال در خانواده ها نشانگر شیوع کار اطفال است.

4.1 یافته ها

- حدوداً نیمی از مصاحبه شوندهگان (48.8%) دارای دست کم یک طفل کارگر در خانواده های خود هستند: 19.4% آنها خاطر نشان کردند که اکثر یا همه اطفال خانواده هایشان مشغول کار می باشند.
- اگرچه مصاحبه شوندهگان میان جنبه های مثبت و منفی کار اطفال تمیز قائل نشدند، اما می توان تأثیر کار اطفال بر حق تعلیم و تربیه آنها را از قسمت 7 گزارش حاضر استنتاج کرد. از مجموع مصاحبه شونده هایی که اطفال سن مکتب در خانواده های آنها به

¹⁷ نظر عمومی شماره 12 کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (1999): حق غذای کافی، بند 14.

طور منظم در مکاتب خود حاضر نمی شوند، کار دلیل اولیه در رابطه با پسران (36.6%) و دلیل ثالثیه در ارتباط با دختران (12.1%) به شمار می رود.

4.2 مکلّفتهای حکومت

کنوانسیون حقوق طفل تصریح کرده که اطفال حق دارند تا در مقابل بهره کشی اقتصادی و کاری که احتمالاً خطرناک است، در تعلیم و تربیه اطفال دخالت می کند یا به صحت اطفال و توسعه جسمی، روحی، معنوی، اخلاقی و اجتماعی آنها زیان آور است، حمایت شوند. قانون اساسی افغانستان (ماده 49) تمهیل کار بر اطفال را ممنوع اعلام کرده است.

نکته قابل تذکر این که باید در رابطه با عبارت "کار اطفال" دقت بیشتری به خرج داد.¹⁸ طفل کارگر می تواند طفلی تعریف گردد که "از لحاظ اقتصادی فعال" است و می تواند برای حمایت مالی از خانواده خود به کار بامزد یا بی مزد مشغول شود. در این حالت، کار اطفال لزوماً منفی نیست. منتهای مراتب اگر کار اطفال شامل مقوله های ذیل گردد، باید از اطفال کارگر حمایت صورت گیرد:¹⁹

1. طفل، حداقل سن برای انواع مشخصی از کار را تکمیل نکرده باشد؛
2. طفل برای ساعات بیش از حد کار کند؛
3. طفل تحت شرایط بد کار نماید/کاری را انجام دهد که برایش مضر باشد؛ و
4. کار اطفال در تعلیم و تربیه آنها مداخله کند.

بر اساس ماده 32 کنوانسیون حقوق طفل، حداقل مسؤولیتهای دول عضو این کنوانسیون اتخاذ تدابیر ذیل به خصوص از طریق قانونگذاری مناسب است:

- حداقل سن اشتغال که کم تر از 15 سال نباشد؛
- تنظیم ساعات و شرایط اشتغال؛ و
- وضع مجازاتها و تعزیرهایی برای اجرای معیارهای مذکور.

5. حق مالکیت و حق مسکن مناسب

شاخصها

1. مشکلات اصلی مربوط به مالکیت و شرایط مسکن
2. شمار مناقشات فعلی بر سر مالکیت و طرفهای اصلی این مناقشات
3. شمار خانواده های در معرض مالیه غیرقانونی

شیوع و نوعیت مشکلات مصاحبه شوندگان نظیر عدم توانایی پرداخت اجاره بها، ازدحام بیش از حد، غصب املاک و مناقشات بر سر مالکیت، شاخصهای اصلی حق مالکیت و حق مسکن مناسب را تشکیل می داد. این مشکلات مستقیماً با مسائل مربوط به ارزیابی حق مسکن مناسب بر اساس میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از جمله استطاعت، قابلیت سکونت و امنیت املاک مرتبط است.²⁰

¹⁸ برای معلومات مزید، گزارش سازمان بین المللی کار: طرح شاخصهایی در باب کار اطفال "نگاه کنید:

<http://www.ilo.org/public/english/standards/ipecc/simpec/jensen/page4.htm>

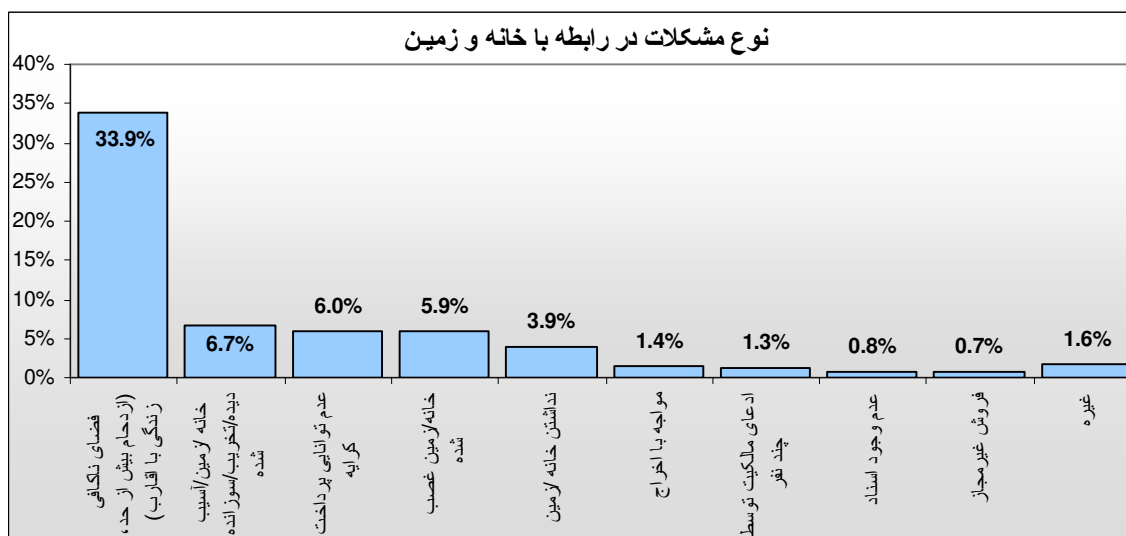
¹⁹ برای اطلاعات بیشتر، به "کنوانسیون 182 سازمان بین المللی کار درباره بدترین اشکال کار اطفال" نگاه کنید.

²⁰ نظر عمومی شماره 4 کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (1991): حق مسکن مناسب، بند 8.

مالیات غیرقانونی منحصراً یک درآمد مالی یا دارایی منقول تعریف می شود که از سوی کارمندان دولتی و یا عناصر مسلح غیرقانونی (قوماندانها) بر علاوه مالیات قانونی اخذ می گردد و معمولاً با جبر و فشار توأم است.

5.1 یافته ها

- تقریباً نیمی از مصاحبه شوندهگان (46.5%) اظهار داشتند که با مشکلاتی در مورد ملکیت‌هایشان (خانه و زمین) دست به گریبان هستند.
- مشکلات اصلی مصاحبه شوندهگان در این عرصه جنبه های کلیدی حق مسکن مناسب را احتوا می کند:
 - **قابلیت سکونت**
 - 40.6% مصاحبه شوندهگان: فضای ناکافی، املاک آسیب دیده /تخریب/سوزانده شده اند؛²¹
 - **امنیت املاک**
 - 10.1% مصاحبه شونده ها: خانه/زمین غصب شده است، ادعای مالکیت توسط چند نفر، مواجهه با اخراج، فروش غیرمجاز، عدم وجود اسناد؛
 - **استطاعت**
 - 9.9% مصاحبه شوندهگان: عدم توانایی پرداخت کرایه، نداشتن خانه/زمین.²²



شکل 5.1

- میزان منازعات بر سر مالکیت ارتباط می گیرد به امنیت املاک منحصراً یکی از ابعاد حق مسکن مناسب: 7% مصاحبه شوندهگان گزارش دادند که آنها درگیر مناقشه بر سر مالکیت هستند، یک چهارم آنها گزارش دادند که این مناقشات با یکی از قوماندانها می باشد (23.3%)، در حالی که یک چهارم دیگر آنها گزارش دادند که منازعات آنها با اعضای خانواده ها می باشد (27.8%).

²¹ باید به یاد داشت که در حالی که عبارت "آسیب دیده/تخریب/سوزانده شده اند" شامل هم خانه و هم زمین می شود، ولی اکثریت پاسخها به مسکن مربوط می شد.

²² باید به خاطر داشت که در حالی که عبارت مورد استفاده "نداشتن خانه/زمین" است، لیکن اکثر جوابها به مقوله مسکن اشاره می کند.

- 3.6% مصاحبه شوندهگان گفتند که آنها مجبور به پرداخت مالیات غیرقانونی اکثراً به قوماندانها می باشند. از مجموع مصاحبه شوندهگانی که پیامدهای مهم عدم توانایی به پرداخت مالیات غیرقانونی را شرح دادند، 44.2% آنها ضرب و شتم را ذکر کردند.

5.2 مکلفیتهای حکومت

مطابق با میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حکومت مسؤولیت دارد تا گامهایی را به منظور تحقق حق برخورداری از سطح مناسب زندگی برای هر شخص بردارد که این شامل حق مسکن مناسب می شود (ماده 11). حق مسکن مناسب صرفاً داشتن یک سقف بالای سر شخص نمی باشد بلکه شامل حق زندگی در جای مصون، صلح آمیز و زندگی آبرومندانه می باشد.

بر اساس میثاق رفع هر نوع تبعیض علیه زنان، حکومت مکلف به رفع خشونت علیه زنان در مناطق روستایی در رابطه با حق مسکن مناسب می باشد (ماده 14.2 (ح)). بر اساس کنوانسیون رفع تبعیض نژادی، حکومت از اعمال روشهای تبعیض آمیز منع گردیده و به نحو تبعیض قومی در رابطه با حق مسکن مناسب مکلف است (ماده 5 (هـ) (سوم)).

در میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آمده است که در امور شخصی، خانوادگی، خانه و مراسم افراد مداخله خودسرانه و غیرقانونی صورت نخواهد گرفت (ماده 17 (1)). قانون اساسی افغانستان، حق بهره مندی صلح آمیز افراد از دارایی ها و ملکیت های شخصی را به رسمیت شناخته است (مواد 38 و 40). قانون اساسی اخذ مالیات غیرقانونی را ممنوع قرار داده است.

6. حق دسترسی به آب

شاخص ها

1. تعداد خانواده هایی که از چاه منحیث منبع آب نوشیدنی استفاده می نمایند
2. تعداد خانواده هایی که به خاطر آوردن آب بیشتر از یک ساعت راه را پیاده می روند
3. مشکلات عمده در رابطه با دسترسی به آب
4. انواع منازعات بر سر آب

بر اساس ماده 11 میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حق دسترسی به آب جزء ضروری حق برخورداری از سطح مناسب زندگی و حق صحت می باشد.²³ آب آشامیدنی مصون عنصر اساسی حق دسترسی به آب است.

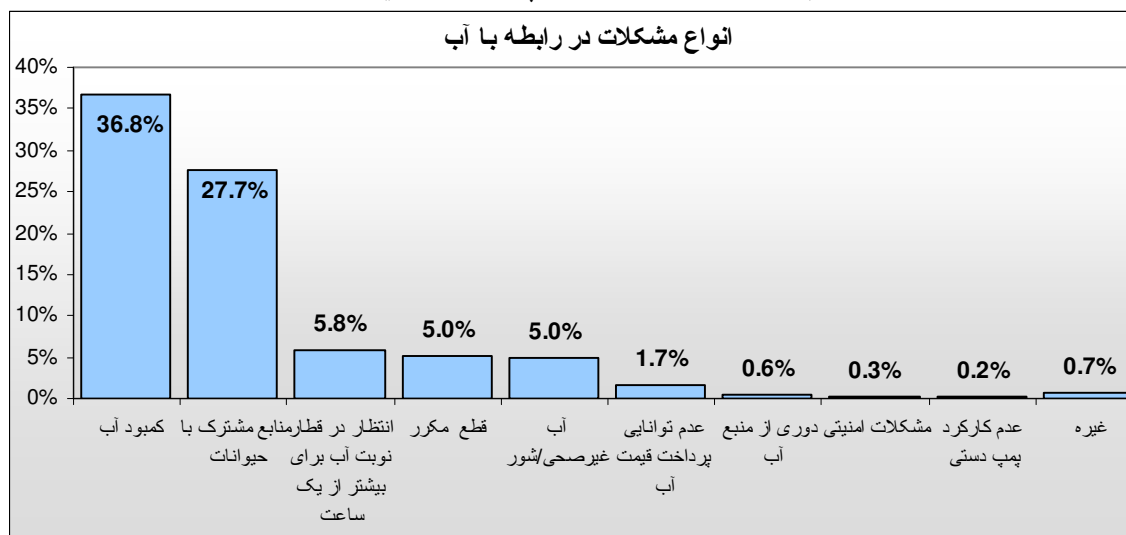
شاخصهای حق آب بر منبع اصلی آب آشامیدنی مورد استفاده خانواده ها و فاصله ای که تا منبع آب پیموده می شود، متمرکز می باشند. این مستقیماً به کیفیت و مهیا بودن آب آشامیدنی ارتباط می گیرد.²⁴ سایر شاخصهای مورد استفاده عبارت از مشکلات اصلی و انواع تعارض هایی می باشد که مصاحبه شوندهگان در رابطه با حق دسترسی به آب به آن رو به رو اند.

6.1 یافته ها

²³ نظر عمومی شماره 15 کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (2002): حق آب، بند 3.
²⁴ به ویرایش سوم، "ارنمودهای سازمان صحتی جهان در مورد کیفیت آب آشامیدنی" در نشانی زیر نگاه کنید:

http://www.who.int/water_sanitation_health/dwq/gdwq3/en/index/html

- نیمی از مصاحبه شونده ها (50.1%)، آب نوشیدنی برای خانواده هایشان را از چاه به دست نمی آورند یعنی که آب نوشیدنی آنها از لحاظ صحتی مصون پنداشته نمی شود.
- مشکلات عمده ای را که مصاحبه شوندگان در رابطه به حق دسترسی به آب ارائه داشتند، شامل موارد ذیل می باشد (آنها توانستند بیشتر از یک مشکل را یادآوری نمایند):
 - **موجودیت**
 - 42% مصاحبه شونده ها: آب ناکافی، قطع مکرر، خرابی پمپ های دستی؛
 - **کیفیت:**
 - 32.7% مصاحبه شوندگان: منبع آب مشترک با حیوانات، آب غیرصحتی/شور؛
 - 50.1% مصاحبه شوندگان: عدم استفاده از آب آشامیدنی صحتی.
 - **دسترسی فیزیکی**
 - 6.7% مصاحبه شونده ها: انتظار بیشتر از یک ساعت در قطار نوبت آب، مشکلات امنیتی، مسافت بیش از حد؛
 - 9.6% مصاحبه شوندگان اظهار داشتند که آنها باید بیشتر از یک ساعت را تا رسیدن به منبع آب پیاده روی کنند.
 - **دسترسی اقتصادی**
 - 1.7% مصاحبه شوندگان توان پرداخت قیمت آب را ندارند.



شکل 6.1

- 9.6% مصاحبه شونده ها که فاصله پیاده روی تا منابع آب را ذکر کردند، مجبور اند فاصله بیشتر از یک ساعت را به خاطر آوردن آب پیاده روی نمایند. 41.6% آنها باید بیشتر از 10 دقیقه را تا منبع آب پیاده روی کنند. سازمان صحتی جهان، یک معیار کم تر از 15 دقیقه فاصله را برای مردم تعیین نموده که به منبع آب برسند (رفت و بازگشت 30 دقیقه).
- 27.7% مصاحبه شونده ها از منابع آب مشترک با حیوانات استفاده می نمایند.
- 6.3% مصاحبه شونده ها درگیر منازعه بر سر آب بودند؛ تقریباً نیمی از آنها (46.7%) با محله دیگر، 44.3% با باشندگان محله خود، 8%

با فرماندهان و 1% با مقامات عامه بر سر آب درگیر مناقشه بوده اند.

6.2 مکلّفیت‌های حکومت

مطابق با نظر عمومی شماره 15 در مورد حق دسترسی به آب، حکومت حداقل مکلّفیت را در تأمین کمیت و کیفیت آب مورد نیاز هر فرد داشته که این مکلّفیت باید با رهنمودهای بین المللی سازمان صحت جهانی برابری داشته باشد.²⁵

هدف شماره 13 توسعه هزارساله افغانستان این است که تعداد مردم فاقد دسترسی پایدار به آب آشامیدنی پاک و حفظ الصحه تا سال 2020 به نصف برسد. در حال حاضر، خط تحتانی به گونه ای تخمین گردیده که 77% مردم به "منابع آب بهبودیافته" دسترسی ندارند.²⁶ حکومت هدفی را معین نموده که تعداد افغانهای فاقد دسترسی پایدار به آب آشامیدنی پاک را تا سال 2015 به 38.5% کاهش بدهد.²⁷

7. حق دسترسی به صحت

شاخص‌ها

1. شمار خانواده‌هایی که برای آنها مراقبت‌ها و خدمات صحتی میسر است
2. دلایل عمده به خاطر عدم استفاده از مراقبت‌ها و خدمات صحتی

یکی از شاخص‌ها در مورد حق صحت، مهیا بودن خدمات بهداشتی می باشد مثلاً آیا حکومت و یا منابع شخصی خدمات صحتی را برای مصاحبه شونده‌ها فراهم نموده اند یا خیر. این پاسخ تا حدی به یک ارزیابی ذهنی در خصوص مصاحبه شونده‌ها بستگی دارد و این احتمال وجود دارد که آنها توضیح دهند که خدمات صحتی "مهیا" است ولی دوری راه، دلیل عدم استفاده از آن می باشد. باید به خاطر داشت که در این پرسشنامه، "خدمات صحتی" به کلینیک‌ها و شفاخانه‌ها محدود شده است.

7.1 یافته‌ها

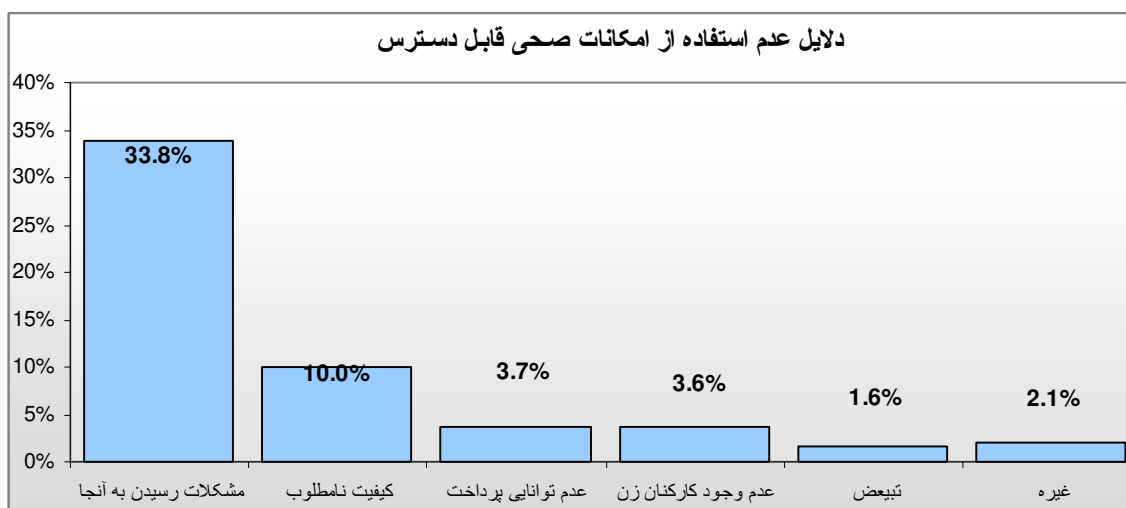
- 75.4% مصاحبه شونده‌ها اظهار داشتند که تسهیلات صحتی برای آنها مهیا بوده است و این در حالی است که 24.6% مصاحبه شونده‌ها بیان کردند که مراقبت‌های صحتی برای آنها میسر نبوده است.

²⁵ اجزای مختلف حق دسترسی به آب (موجودیت، کیفیت، قابلیت دسترسی و غیره) در "نظر عمومی شماره 15 کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و اقتصادی (2002): حق آب" تعریف شده است.

²⁶ بالاتر بودن تخمین برنامه توسعه سازمان ملل متحد درباره افراد فاقد دسترسی به "منابع آب بهبودیافته" (77% نفوس افغانستان) نسبت به برآورد نظارت ساحوی حقوق بشر (50.1%) را می توان به شاخص مورد کاربرد در این بررسی نسبت داد که عبارت از دسترسی به چاه‌های سرپوشیده چاه‌های سرباز بود. گزارش اهداف توسعه هزارساله برنامه توسعه سازمان ملل متحد در سال 2005 شامل چاه‌های سرباز نمی شود. مطابق با اظهارات برنامه توسعه سازمان ملل متحد، "منبع آب بهبود یافته" به منابعی نظیر نل خانگی، کاریز، پمپ دستی عامه، چاه‌های محافظت شده، چشمه‌های محافظت شده و آب باران جمع آوری شده گفته می شود که احتمالاً "مصون" پنداشته می شود. گرچه، وضعیت افغانستان لزوماً چنین نمی باشد (دومین گزارش اهداف توسعه هزارساله افغانستان (سپتامبر 2005): دورنما 2020، پانویس 89).

²⁷ دومین گزارش اهداف توسعه هزارساله افغانستان (سپتامبر 2005): دورنما 2020، ص 79.

- با وجود اینکه بیش از 70% مصاحبه شونده ها اظهار داشتند که تسهیلات صحتی میسر بوده است، اما 54.8% آنها گفتند که از تسهیلات موجود استفاده نمی کنند. دلایل عمده در مورد عدم استفاده آنها از تسهیلات صحتی، به قرار ذیل می باشد و به عناصر مهم حق صحت ارتباط میگیرد:²⁸
 - **دسترسی فیزیکی**
 - 33.8% مصاحبه شونده ها: مشکلات رسیدن به مؤسسات صحتی؛
 - **کیفیت**
 - 10% مصاحبه شونده ها: کیفیت نامرغوب؛
 - **دسترسی اقتصادی**
 - 3.7% مصاحبه شونده ها: عدم توانایی پرداخت خدمات و داروها؛
 - **پذیرش**
 - 3.6% مصاحبه شونده ها: عدم موجودیت کارمندان زن؛
 - **دسترسی برابر**
 - 1.6% مصاحبه شونده ها: تبعیض.



شکل 7.1

7.2 مکلفیتهای حکومت

وجایب و مکلفیت های حکومت بر اساس معاهدات بین المللی و قانون اساسی در رابطه به حق صحت، با اهداف توسعه هزارساله به منظور کاهش مرگ و میر اطفال (هدف شماره 4 توسعه هزارساله) و بهبود صحت مادران (هدف شماره 5 توسعه هزارساله) مطابق می باشد:

- هدف شماره 8 توسعه هزارساله برای افغانستان این است که میزان مرگ و میر اطفال زیر سن 5 سال را بین سال های 2003 تا 2015 تا 50% کاهش دهد که خط تحتانی فعلاً در این رابطه یک رقم 230 مرگ اطفال زیر سن 5 سال در هر 1000 ولادت زنده برآورده شده است.
- هدف شماره 9 توسعه هزارساله برای افغانستان این است که میزان مرگ و میر مادران را بین سال های 2002 تا 2015 تا 50% کاهش دهد

²⁸ جنبه های مختلف حق صحت (موجودیت، کیفیت، قابلیت دسترسی، قابلیت پذیرش و غیره) در نظر عمومی شماره 14 کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (2000): حق برخورداری از عالی ترین سطح قابل دستیابی صحت.

که خط تحتانی فعلاً در این رابطه یک رقم 1600 مرگ مادران در هر 100000 ولادت زنده برآورده شده است.

- هدف شماره 5 توسعه هزارساله: بهبود صحت مادران، حکومت تعهد نموده که شمار پرستاران ولادی و پرسونل ماهر را در افغانستان از 14.3% به 50% تا سال 2015 افزایش دهد.

8. حق تعلیم و تربیه

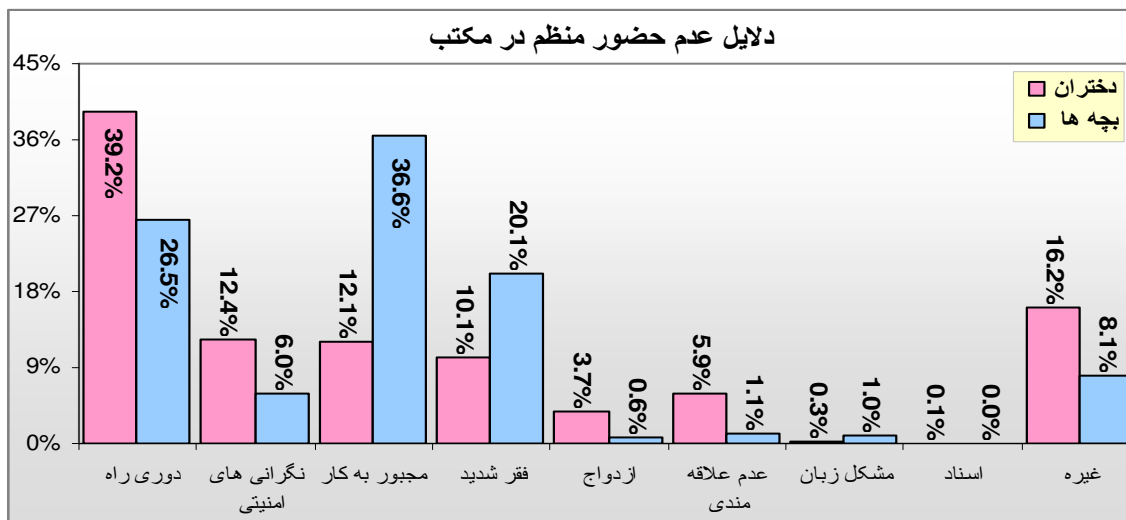
شاخص ها

1. تعداد خانواده هایی که برای آنها تسهیلات تعلیم و تربیه ابتدایی میسر می باشد
2. تعداد خانواده هایی که اطفال سن مکتب آنها به صورت منظم در مکاتب حاضر می شوند
3. دلایل اصلی عدم استفاده از تسهیلات تعلیم و تربیه ابتدایی
4. تعداد خانواده هایی که اطفال سن مکتب آنها تعلیم و تربیه ابتدایی را تکمیل می نمایند

شاخصهای مورد استفاده در ارزیابی حق تعلیم و تربیه مربوط به تعلیم و تربیه ابتدایی (صنوف 1-6) می باشد که منحصراً جزء اساسی حق تعلیم و تربیه پنداشته می شود.

8.1 یافته ها

- یک تفاوت 6.9% میان دخترها و بچه ها در فراهمی یا مهیا بودن سهولت های تعلیمی موجود است: 91.9% مصاحبه شوندهگان اظهار داشتند که برای بچه ها، تعلیمات ابتدایی فراهم می باشد، در حالی که برای دخترها این نظر توسط 84.8% آنها ارائه گردید.
- هرچند مصاحبه شوندهگان یک سطح بلند از فراهمی تعلیمات ابتدایی را ارائه داشتند، اما 43.7% آنها تذکر دادند که اطفال سن مکتب آنها به صورت منظم در مکاتب حاضر نمی شوند. دلایل مختلفی در زمینه عدم حضور منظم دخترها و بچه ها در مکاتب موجود است.
- عوامل عمده ای که مانع حضور دخترها در مکاتب ابتدایی میگردند، عبارتند از مشکلاتی مانند دسترسی فیزیکی (فاصله مکاتب نهایت دور می باشد یا والدین در مورد امنیت نگران می باشند) - بیشتر از نیمی از مصاحبه شوندهگان (51.6%) که اطفال شان حضور نامنظم در مکاتب دارند، این دلیل را ارائه داشتند.
- عوامل دیگری که مانع حضور دخترها در مکاتب ابتدایی می گردد، عبارت از کار دختران (12.1%)، فقر (10.1%) و ازدواج اطفال (3.7%) می باشد.



شکل 8.1

- عامل عمده ای که مانع حضور **بچه ها** در مکاتب ابتدایی می گردد، عبارت از کار بچه ها می باشد - 36.6% مصاحبه شوندگان این دلیل را در رابطه با عدم حضور بچه هایشان در مکاتب ابتدایی ابراز داشتند.
- عوامل دیگری که مانع حضور **بچه ها** در مکاتب ابتدایی می گردد، مربوط به مشکلاتی مانند دسترسی فیزیکی (32.5% - فاصله مکاتب نهایت دور می باشد یا والدین در مورد امنیت آنها نگران می باشند) و فقر (20.1%) می باشد.
- بین بچه ها و دخترها در تکمیل نمودن تعلیمات ابتدایی یک تفاوت قابل توجه وجود دارد: بیشتر از نصف یعنی (55.2%) از دختران که شامل مکاتب ابتدایی می شوند تعلیماتشان را (تا صنف 6) تکمیل می کنند و این در حالی است که بچه های شامل در مکاتب ابتدایی، 89.7% شان صنف 6 را به اتمام می رسانند.

8.2 مکلفیتهای حکومت

بر اساس میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حکومت حق تعلیم و تربیه را برای همه افراد به رسمیت می شناسد که حداقل تعهدی می باشد مبنی بر تهیه تعیمات ابتدایی رایگان و اجباری برای همه (ماده 13 (2) الف).

کنوانسیون حقوق طفل تأکید می کند که حق طفل به تعلیم و تربیه برای همه اطفال لازمی می باشد (ماده 28) و ضمن بازتاب این واقعیت که تعداد زیادی از اطفال از دستیابی تبعیض آمیز به تعلیم و تربیه رنج می برند (به ویژه اطفال در مناطق روستایی، دختران، اقلیت ها و اطفال معلول) تأکید می دارد که دستیابی به این حق باید بر اساس فرصت های برابر صورت گیرد.

در اهداف توسعه هزارساله، حکومت متعهد گردیده است تا به کسب تعلیمات ابتدایی عمومی نائل آمده (هدف 2 توسعه هزارساله) و برابری جنسیت را ترویج دهد (هدف 2 توسعه هزار ساله).

- هدف 3 توسعه هزارساله برای افغانستان این است تا اطمینان حاصل گردد که تا سال 2020 همه بچه ها و دخترها باید به طور یکسان بتوانند یک دوره مکمل تعلیم و تربیه ابتدایی را تکمیل نمایند - نظر به خط تحتانی 54% اطفال برای تعلیمات ابتدایی ثبت نام می گردند و 45% از شاگردان که شامل مکتب می شوند، می توانند به صنف 5 برسند.
- هدف 4 توسعه هزارساله برای افغانستان عبارت از هو اختلاف جنسیتی در کلیه سطوح تعلیم و تربیه الی 2020 می باشد - خط تحتانی برای تناسب بچه ها و دخترها در مکاتب ابتدایی 0.6 سنجیده شده است.

مقصود این است که در جهت استفاده از فرصت و به منظور تأمین اهداف توسعه هزارساله، دولت باید ثبت نام اطفال را در مکاتب ابتدایی دوچند سازد، البته ثبت نام دختران باید خصوصاً مورد توجه باشد: در برابر هر 3 نفر بچه، 5 نفر دختر باید ثبت نام گردد.²⁹ به منظور دستیابی به این هدف، دولت باید به صورت مستقیم دلایل و علل این که چرا دختران از مکتب دور نگهداشته شده اند را بررسی نماید.

9. حق رجوع مؤثر

شاخص ها

1. تعداد فامیلهایی که بر سر ملکیت یا آب منازعه دارند
2. انواع مشکلاتی که فامیل ها در جهت حل و فصل آن سعی کردند
3. تعداد فامیل هایی که به مکانیزم های عدالت عرفی مراجعه کردند
4. تعداد فامیل هایی که به مکانیزم های عدالت رسمی مراجعه کردند
5. افراد/ نهادهایی که در حل مشکلات همکاری نکردند
6. دلایل که بنا بر آن با مصاحبه شوندهگان کمکی به خاطر حل مشکلات شان صورت نگرفت

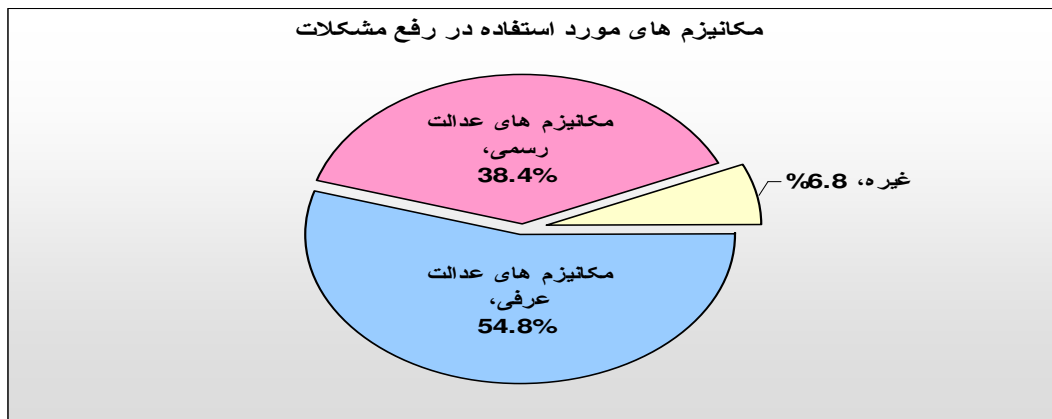
همین که در جریان مصاحبه از مصاحبه شوندهگان در مورد چگونگی تلاش آنها در جهت حل و فصل منازعات شان پرسش به عمل آمد، خیلی مهم و قابل توجه می باشد زیرا این مسئله خیلی فراگیرتر از آن است که توجه را تنها روی حل معضلات متمرکز سازیم. با تشخیص اشخاص/ نهادهای که مصاحبه شوندهگان نزد آنها جهت حل مشکلات شان مراجعه نموده اند، ممکن تحلیلی بدست آید که آیا استناد بیشتر روی مکانیزم های عدلی سنتی/ عرفی وجود دارد یا این که مصاحبه شوندهگان به خاطر حل معضلات شان از طریق رسمی استفاده نموده اند.

آن عده از افراد/ نهادهایی که مصاحبه شوندهگان نزدشان به خاطر حل مشکلات شان مراجعه نموده بودند، مورد ارزیابی قرار گرفتند تا روشن شود که آنها واقعاً در زمینه حل مشکلات مصاحبه شوندهگان ناکام مانده اند یا خیر. محدودیت ها در استفاده معلومات از آنجا وجود دارد که کمک به مصاحبه شوندهگان در حل مشکلات شان منحصراً یک شاخص تثبیت شده است و این امکان وجود دارد که در برخی حالات افراد یا نهادهای مورد مشوره فاقد صلاحیت یا توانایی حل مشکلات معین بوده باشد. باید در نظر گرفت که مقایسه جواب ها و پاسخ ها در تعیین سطح اعتماد و اتکای مصاحبه شوندهگان بر راهکارهای عدالت عرفی و رسمی مفید است.

9.1 یافته ها

²⁹ دومین گزارش اهداف توسعه هزارساله افغانستان (سپتمبر 2005): دورنما 2020، ص 34.

- 7% مصاحبه شوندگان فعلاً بر سر ملکیت‌هایشان منازعه دارند، در حالی که 6.3% مصاحبه شوندگان بر سر آب منازعه دارند.
- 47.5% مصاحبه شوندگان که سعی کردند از طریق مکانیزم های رسمی یا سنتی مشکلاتشان را حل نمایند، خواستند تا مشکلات مربوط به ملکیت را حل نمایند.
- 54.8% مصاحبه شوندگان که کوشش کردند مشکلاتشان را حل نمایند به مکانیزم های عدالت سنتی/ عرفی (شوراها، ریش سفیدان و ملاها) مراجعه کردند، در حالی که 38.4% به این منظور به مکانیزم های عدالت رسمی (حکومت، محکمه و پولیس) مراجعه نمودند.



شک

9.1 ل

- مصاحبه شوندگان (67.9%) تشخیص دادند که مکانیزم های عدالت رسمی اکثراً در ارائه کمک ها به منظور حل معضلات ناکام بوده اند.
- دلایل عمده ای که مصاحبه شوندگان برای ندادن کمک ها برای شان (چه در مکانیزم های رسمی و چه در مکانیزم های غیررسمی) برشمردند بیشتر به عوامل اقتصادی ارتباط می گرفت - 50.9% مصاحبه شوندگان که کمک نگردیده بودند اظهار داشتند که علت آن فقر (43.7) یا عدم استطاعت در پرداخت رشوه (7.2%) بوده است.
- قومیت (16.2%) دلیل عمده دیگر از طرف مصاحبه شوندگان قلمداد گردید که بر اساس آن به آنها در حل معضلات شان، هم در مکانیزم های رسمی و هم عرفی کمک صورت نگرفته است.
- لازم است تا تحقیقات بیشتر صورت گیرد تا روشن شود که چرا مسئله فقر و قومیت به میزان بلندی دلایل عمده عدم ارائه کمک ها به مصاحبه شوندگان که می خواستند به مشکلات شان رسیدگی شود، می باشد.

9.2 مکلفیتهای حکومت

بر اساس میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حکومت مکلفیت دارد تا اطمینان دهد که هر فردی که به خاطر نقض حقوق خویش مانند حق داشتن زندگی مناسب، حق داشتن آب، حق داشتن مسکن مناسب، حق داشتن مراقبت های صحی، حق تعلیم و تربیه و غیره می تواند دادخواهی کند و دولت به شکایات آنها از طریق یک مرجع قضایی، اداری یا تقنینی باصلاحیت رسیدگی خواهد کرد.³⁰

³⁰ نظر عمومی شماره 9 کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (1998): تطبیق میثاق در سطح داخلی.

قانون اساسی افغانستان حق رجوع مؤثر را طوری که در قوانین بین المللی تعیین گردیده است، طی ماده 51 خود چنین تصریح می دارد که هر فردی که از اثر اقدامات دولت متضرر گردد از طریق مراجعه به یک محکمه باصلاحیت مستحق جبران خساره می باشد. معاهدات بین المللی حقوق بشر نظیر میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ماده 26) نیز حق رجوع مؤثر را در صورت نقض حقوق توسط عوامل غیردولتی شناسایی کرده اند.

بر اساس کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زنان، دولت متعهد شده است تا اطمینان دهد که حق رجوع مؤثر برای زنان به صورت برابر فراهم می باشد (ماده 22).

10. اولویت ها برای آینده

از مصاحبه شوندگان تقاضا به عمل آمد تا سه اولویت عمده را برای آینده انتخاب نمایند. این سؤال به خاطری از مصاحبه شوندگان پرسیده شد تا ارزیابی گردد که مصاحبه شوندگان مشکلاتی را که با آن مواجه می باشند، چگونه اولویت بندی می نمایند و هم از نظر آنها چه چیز بزرگترین چالش آینده تلقی می گردد.

10.1 یافته ها

- این خیلی مهم است که بیشتر از 80% مصاحبه شوندگان، حقوق اجتماعی و اقتصادی را به عنوان اولویت های عمده برای آینده برشردند.
- آب و حفظ الصحه (17.7%)، فرصت های شغلی (17.6%)، سهولت های طبی (15.8%)، مسکن (13.7%)، تعلیم و تربیه (12.7%) و غذا (8.1%) نسبت به امنیت (4%) و عدالت (3.4%) در اولویت بالاتری قرار گرفته است.
- بیشتر از 80% مصاحبه شوندگان اظهار داشتند که آنها نسبت به آینده خوشبین می باشند.

11. جمع بندی

دولت افغانستان با چالش های بزرگی در جهت رعایت معیارهای مندرج در میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رو به رو است. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملل متحد خاطر نشان می کند که دولت های تصویب کننده میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باید مکلفیتهای اساسی خود را به منظور تأمین حداقل حقوق مسجل در میثاق برای همه به گونه ای برابر تطبیق کنند:³¹

"برای مثال، دولت عضوی که شمار قابل توجهی از افراد تحت قلمرو آن از غذای ضروری، مراقبتهای صحی ابتدایی ضروری، پناهگاه و مسکن اساسی و تعلیم و تربیه اساسی محروم هستند، به گونه ای مشهود در اجرای مکلفیتهای خود بر اساس میثاق ناکام بوده است".

یافته های نظارت ساحوی حقوق بشر نشانگر این نکته است که دولت حداقل مکلفیتهای اساسی خود را در رابطه با حقوق مندرج در میثاق بین المللی

³¹ نظر عمومی شماره 3 کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (1990): ماهیت مکلفیتهای دولتهای عضو، بند 10.

حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تطبیق نکرده است که در زیر به خلاصه آن پرداخته می شود.

از آنجا که بسیاری از اهداف مشترک است، همبستگی قابل ملاحظه ای میان مکلفیتهای دولت بر اساس میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تعهدات آن در قبال اهداف توسعه هزارساله وجود دارد. گرچه تعهد نسبت به تحقق اهداف توسعه هزارساله یک گام به جلو است اما راه درازی برای اجرای این اهداف در جهت تأمین تعلیم و تربیه ابتدایی همگانی، دسترسی به مراقبتهای صحی باکیفیت و قابل پرداخت و آب نوشیدنی مصون پیش رو است.

11.1 غذای ضروری

- تنها 13.5% مصاحبه شوندهگان گفتند که خانواده آنها دارای منبع درآمد پایدار هستند؛
- مطابق با گزارش اهداف توسعه هزارساله افغانستان در سال 2005،³² برآورد می شود که مجموعاً 38% خانواده های روستایی (در حدود 6 میلیون افغان روستانشین) با کمبود غذایی مزمن یا گذرا مواجه اند و از این رو، به غذای کافی به طور دوامدار دسترسی ندارند؛ و
- اکثر خانواده های مبتلا به ناامنی غذایی مزمن، تحت سرپرستی زنان قرار دارند، دارای اعضای معلول و تعداد زیادی از اطفال هستند و در مناطق روستایی دورافتاده با کمبود یا عدم دسترسی به آبیاری، بازار و سایر خدمات زندگی می کنند.³³

11.2 مراقبتهای صحی ابتدایی ضروری

- با وجود آن که 75.4% مصاحبه شوندهگان اظهار داشتند که تأسیسات مراقبتهای صحی موجود است، اما 54.8% آنها از این تأسیسات استفاده نمی کنند؛
- دلیل اصلی عدم استفاده مصاحبه شوندهگان از خدمات صحی مربوط به مسئله دسترسی فیزیکی می شود - 33.8% مصاحبه شوندهگان بیان داشتند که رسیدن به تأسیسات مراقبتهای صحی موجود بسیار دشوار است؛
- مطابق با گزارش اهداف توسعه هزارساله افغانستان در سال 2005، 60% مرگ و میر اطفال زیر 5 سال در کشور قابل جلوگیری می باشد؛³⁴
- گزارش اهداف توسعه هزارساله افغانستان در سال 2005، اسنادی را مبنی بر این که افغانستان دارای بلندترین سطح مرگ و میر مادران در جهان است، ارائه داشته است (1600 مرده در 100000 ولادت زنده). تخمین گردیده است که حدود 78% مرگ و میر مادران را می توان از طریق افزایش شمار کارمندان صحی و پرسونل ورزیده، جلوگیری کرد.³⁵

³² دومین گزارش اهداف توسعه هزارساله افغانستان (سپتمبر 2005): دورنما 2020، ص 23.

³³ دومین گزارش اهداف توسعه هزارساله افغانستان (سپتمبر 2005): دورنما، ص 21.

³⁴ «اکثر مرگ و میر اطفال زیر 5 سال در افغانستان ناشی از عوامل عفونی، اسهال، عفونت حاد دستگاه تنفسی و امراض قابل جلوگیری از طریق واکسین می باشد که این امراض 60% مرگ و میر را تشکیل می دهد» (دومین گزارش اهداف توسعه هزارساله افغانستان (سپتمبر 2005): دورنما 2020، ص 46).

³⁵ دومین گزارش اهداف توسعه هزارساله افغانستان (سپتمبر 2005): دورنما 2020، ص 55.

11.3 مسکن

- 40.6% مصاحبه شوندهگان با مشکلاتی در زمینه قابلیت سکونت خانه هایشان رو به رو اند، 10.1% آنها فاقد امنیت املاک هستند (که شامل غصب ملکیتها و ادعای ماکلیت توسط چند نفر می شود) و 9.9% آنها ابراز داشتند که قادر به پرداخت کرایه نیستند و از خانه و زمین بی بهره اند.
- از مجموع 9% مصاحبه شونده هایی فعلاً در زمره بیجاشدگان داخلی محسوب می شوند، بیشتر از یک سوم آنها (39.7%) به علت نبود مسکن بیجا گردیده اند.
- 16.7% عودت کنندگان از بازگشت خود ناخرسند هستند. بیش از یک سوم آنها به علت کمبود مسکن (35.4%) از برگشت خود به کشور ناراضی می باشند.

11.4 تعلیم و تربیه اساسی

- 43.7% مصاحبه شوندهگان گفتند که اطفال سن مکتب آنها به طور منظم در مکاتب ابتدایی خود حاضر نمی شوند.
- عوامل عمده ای که مانع حضور دخترها در مکاتب ابتدایی میگردند، عبارتند از مشکلاتی مانند دسترسی فیزیکی (فاصله مکاتب از قریه ها نهایت دور می باشد یا والدین در مورد امنیت نگران می باشند) - 51.6% مصاحبه شوندهگان که دختران شان حضور نامنظم در مکاتب دارند، این دلیل را ارائه داشتند. عوامل دیگری که مانع حضور دخترها در مکاتب ابتدایی می گردد، عبارت از کار دختران (12.1%)، فقر (10.1%) و ازدواج اطفال (3.7%) می باشد.
- عامل عمده ای که مانع حضور بچه ها در مکاتب ابتدایی می گردد، عبارت از کار بچه ها می باشد - 36.6% مصاحبه شوندهگان این دلیل را در رابطه با عدم حضور بچه هایشان در مکاتب ابتدایی ابراز داشتند. عوامل دیگری که مانع حضور بچه ها در مکاتب ابتدایی می گردد، مربوط به مشکلاتی مانند دسترسی فیزیکی (32.5%) و فقر (20.1%) می باشد.
- بین بچه ها و دخترها در تکمیل نمودن تعلیمات ابتدایی یک تفاوت قابل توجه وجود دارد: صرفاً 55.2% از دختران که شامل مکاتب ابتدایی می شوند تعلیماتشان را (تا صنف 6) تکمیل می کنند و این در حالی است که بچه های شامل در مکاتب ابتدایی، 89.7% شان صنف 6 را به اتمام می رسانند.

11.5 دسترسی به آب

- 50.1% مصاحبه شوندهگان از چاه منحیث منبع آب نوشیدنی خود استفاده نمی کنند. این بدان معنا است که نیمی از مصاحبه شوندهگان در خانواده هایشان از آب نوشیدنی مصون استفاده نمی کنند.
- 9.6% مصاحبه شوندهگان باید بیشتر از یک ساعت برای آوردن آن پیاده روی کنند. 41.6% مصاحبه شوندهگان باید بیشتر از 10 دقیقه به منظور رسیدن به نزدیکترین منبع آب پیاده بروند.³⁶

³⁶ سازمان صحتی جهان معیار مسافت رسیدن به منبع آب را زیر 15 دقیقه قرار داده است.

- 27.7% مصاحبه شوندهگان از منبع آب مشترک با حیوانات استفاده می کنند.

11.6 فقر

- کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملل متحد تأکید می کند که فقر به خودی خود محرومیت از حقوق بشر محسوب می شود.³⁷ یافته های این گزارش نشان دهنده آن است که ارتباط تنگاتنگ و نزدیکی میان فقر و محرومیت از حقوق اقتصادی و اجتماعی به شمول حق مشارکت در توسعه و حق رجوع مؤثر موجود است.
- از آنجا که با افزایش آسیب پذیری اقتصادی خانواده، به شمار اطفال کارگر (زیر سن 15 سال) افزوده می شود و غیرمحمول به نظر می رسد که خانواده ها از استطاعت تعلیم و تربیه اطفالشان برخوردار باشند، می توان کار اطفال را به فقر و عدم بهره مندی از سطح مناسب زندگی مرتبط دانست: 48.8% مصاحبه شوندهگان دارای دست کم یک طفل کارگر در خانواده های خود هستند. 19.4% آنها خاطر نشان کردند که اکثر یا همه اطفال خانواده هایشان مشغول کار می باشند.
- فقر همچنان با حضور در مکاتب ابتدایی مرتبط است. 14.5% مصاحبه شوندهگان که اطفال سن مکتب آنها اعم از پسر و دختر به طور منظم در مکاتب ابتدایی حاضر نمی شوند، استدلال کردند که دلیل اصلی این امر این است که خانواده این اطفال قادر به پرداخت هزینه تحصیل آنها نیست.
- دلایل عمده ای که مصاحبه شوندهگان برای ندادن کمک ها برای شان (چه در مکانیزم های رسمی و چه در مکانیزم های غیررسمی) برشمرده اند بیشتر به عوامل اقتصادی ارتباط می گرفت - 50.9% مصاحبه شوندهگان که کمک نگردیده بودند اظهار داشتند که علت آن فقر (43.7) یا عدم استطاعت در پرداخت رشوه (7.2%) بوده است.

³⁷ سند E/C.12/2001/10 ملل متحد، فقر و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، 4 می 2001، ص 8.